

یادداشت



درنگی در همسانی روح بحث نبوی
با پدیده انقلاب اسلامی

بحث تا بحث

دکتر محسن الوبوری

استاد دانشگاه باقرالعلوم

خاستگاه «مسأله‌بودگی انقلاب اسلامی» برمی‌گردد به فاصله‌ای که بین آرمان‌های انقلاب اسلامی و وضعیت کنونی ما ایجاد شده است. برخی ناکارآمدی‌ها در عرصه اقتصاد، فرهنگ، سیاست، اجتماع و علم باعث این فاصله شده است. به منظور آسیب‌شناسی این مسأله، با کسانی که کشور را در همه عرصه‌ها در حال پیشرفت خیره‌کننده «می‌دانند کاری نداریم ولی در بین کسانی که می‌پذیرند ناکارآمدی‌هایی در کشور وجود دارد، برخی وضعیت موجود را بهای طبیعی و لازمه تداوم انقلاب می‌دانند و برخی دیگر آن را نشان‌دهنده شکست انقلاب می‌شمردند. ولی دیدگاه سومی هم وجود دارد که بین «پدیده انقلاب اسلامی» و «ساختار سیاسی» تفکیک قائل می‌شود و با این‌نظرگاه انقلاب را همچنان زنده و پویا و حرکت‌بخش ارزیابی می‌کند.

در این دیدگاه سوم، «انقلاب اسلامی» به مثابه بازتولید «بحث نبوی» در دوران معاصر پیش‌فرض قرار می‌گیرد. به این منظور، باید به ذات و جوهر بحث نبوی در متون دینی نگاهی انداخت. به عنوان نمونه، مروری بر ۱۷ گزاره منتخب از نهج‌البلاغه با کلیدواژه بحث (خطبه‌های ۱، ۲، ۷، ۹، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۴۷، ۱۷۸، ۱۸۵، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۱۳ و نامه ۶۲) نشان‌دهنده آن است که از نگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام اهداف و دستاوردهای بحث نبوی مواردی از این دست بوده است: بزور رفتن از گمراهی، رهایی یافتن از نادانی، پایان یافتن هشدارها و تکمیل حجت الهی، فراخواندن به حکمت، به خاک سپردن کینه‌ها، خاموش کردن کینه‌توزی‌ها، ارائه معیارهایی نو برای تنظیم روابط اجتماعی، برافراشتن پرچم حق، کرامت یافتن انسان‌ها و مانند آن.

ساختارهای سیاسی پس از عهد نبوی در تحمل این روح و پایبندی به این آرمان‌ها یکسان نبودند و هر چند پاره‌ای از آنها همسو با روح بحث نبوی حرکت می‌کردند ولی بیشتر آنها از حرکت در این مسیر ناتوان بودند.

بر پایه پیش‌فرضی که درباره همسانی «پدیده انقلاب اسلامی» با «بحث نبوی» به آن اشاره شد، ناتوانی ساختار سیاسی جمهوری اسلامی از پاسداشت آرمان‌های انقلاب همچون تجربه بحث نبوی امری ناممکن نیست و به نظر می‌رسد کنش سیاسی مردم هم در عمل از همین منوط پیروی می‌کند و راز حضور چشمگیر مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن و گاهی حضور کم‌رنگ در برخی انتخابات سیاسی نشان از تفکیک بین «انقلاب» و «نظام» و در نتیجه حفظ پایبندی به انقلاب از یک سو و تنظیم رابطه‌ای نو با ساختار جمهوری اسلامی از سوی دیگر است.

سزاوار است نخبگان نیز آرمان‌های انقلاب را در برابر برخی ناکارآمدی‌های ساختار (با وجود کامیابی‌هایی که در برخی عرصه‌ها وجود دارد) قربانی نکنند و از آن دست نکشند. بویژه در عرصه امت اسلامی آرمان‌های انقلاب را در سطح فراملی عرضه نمایند.



قدرت انقلاب اسلامی در عبور از بحران‌ها

رمز تاب‌آوری یک گفتمان

اکنون که در ۴۴ سالگی انقلاب اسلامی هستیم، بسیار اهمیت دارد که به ایده بقای انقلاب اسلامی ببیندیشیم و بر اساس آن، در مورد آینده انقلاب صحبت کنیم. در «بیانیه گام دوم انقلاب» ضرورت‌های بقای انقلاب طرح شده است اما در گفتار حاضر می‌خواهیم به رمز بقای انقلاب اشاره کنیم؛

انقلاب اسلامی یک «کانون»
معناساز است

انقلاب اسلامی نسبت به انقلاب‌های مادی و انقلاب‌های صرفاً سیاسی و حتی انقلاب‌های رنگی و ایدئولوژیک، شدت مشحون از معنا است. در انقلاب اسلامی ما با یک کانون معناساز بسیار بزرگ مواجه هستیم. این گفتمان به شکل قابل‌تأملی ظرفیت بازتولید معنا دارد و به تعبیر فوکو «روح جهان بی‌روح است» و این را می‌توان در معنایی که به اشنای سیاسی و اجتماعی یا تمدنی پیرامون خود می‌دهد، بازبازی کرد. اما چرا و چطور انقلاب اسلامی چنین ظرفیت معناسازی پیدا کرد؟

یکی از دلایل معنامند بودن گفتمان انقلاب اسلامی به نگاه متعالی آن به انسان برمی‌گردد که «انسان آرمانگر» را مد نظر دارد؛ انسانی که آرمان‌هایش فراتر از مسائل مادی و رفح روزمرگی‌ها است. این آرمان‌ها را می‌توان در بنیان‌های انقلاب اسلامی به تمامه ردیابی کرد. حضرت امام خمینی (ره)، رهبر و شهید مطهری و دکتر شریعتی و

سخنگوی این معنامندی بودند که توجه ژرفی به نظریه فطرت به عنوان ام‌المعارف داشتند و آن را به عنوان یک گنجینه معناساز برای انسان معاصر به کار می‌گرفتند. شریعتی آنجایی که ابوذر و حضرت فاطمه (س) را به اندیشه انقلاب پیوند می‌زند و شهید مطهری هم آنجا که از منظر فلسفی به تبیین انقلاب و اندیشه‌های آن می‌پردازد در این معناسازی شریک هستند و شاید کمتر تحلیل‌های جامعه‌شناختی توانسته باشد این ویژگی را توضیح دهد.

دلیل دوم معناساز بودن انقلاب اسلامی که با دلیل اول هم بی‌نسبت نیست، این است که انقلاب اسلامی بی‌تفاوت، بی‌ریشه، موقتی، انتقادی و دفعی نیست و برای بحران‌های تاریخی و نقاط عطف تاریخ جامعه ایرانی پاسخ و نسبت به آنها موضع دارد. جامعه ایران ۲۰۰ سال است که از بحران فرهنگی، تمدنی، هویتی و حتی فکری رنج می‌برد. هرچند که نسخه‌ها و درمان‌های مختلفی برای مواجهه با بحران‌های ۲۰۰ سال اخیر، ارائه

شده است ولی انقلاب اسلامی یک نسخه جدی، جامع و برآمده از تجربه نسخه‌های قبلی ارائه می‌کند.

تقریباً از نیمه اول قاجار تلاش‌هایی برای حل بحران جامعه ایران صورت می‌گیرد و نسخه‌هایی برای آن ارائه می‌شود که برجسته‌ترین آنها را می‌توان در کارهای عباس میرزا و امیرکبیر ردگیری کرد. اما در نیمه دوم قاجار، نسخه مشروطه ارائه می‌شود که می‌خواست استبداد را مهار کند و البته در این زمینه هم موفق بود. اما در عین حال، نقص‌هایی نیز داشت که باعث شد میوه مشروطه در سید رضاخانی و استبداد منور پهلوی قرار گیرد. انقلاب اسلامی در اواخر دوره پهلوی برای جامعه که عملاً از یک بحران هویتی رنج می‌برد، نسخه‌ای جدی ارائه کرد و در برابر محمدرضاشاه ۲۵۰۰ ساله را بسازد؛ ایده‌ای که نه الزاماً غربی و نه الزاماً ایرانی و اسلامی بود و بیشتر به یک نسخه فکاهی و رمانتیک از ناسیونالیسم شباهت داشت.

تداوم انقلاب اسلامی با مدیریت دوگانه‌های دست و پا گیر

دلیل تداوم گفتمان و اندیشه انقلاب اسلامی این است که در برابر بحران‌ها موضع دارد. از این رو، یکی از ضرورت‌ها برای بقای این اندیشه و گفتمان، داشتن موضع در برابر بحران‌ها است و این موضع، «موضع مقاومت» است؛ بدین معنا که گفتمان انقلاب اسلامی، در برابر بحران‌ها کوتاه نمی‌آید.

انقلاب اسلامی یک وسعت گفتاری و گفتمانی دارد که می‌تواند دوگانه‌های دست و پا گیر و کشنده‌ای را که جامعه ایران یا جامعه اسلامی در جهان با آن مواجه است مدیریت کند و راز بقای انقلاب هم پاسخ به این دوگانه‌هاست؛ دوگانه‌هایی چون سنت و تجدید، خانه و اجتماع برای زن تراز انقلاب اسلامی و... انقلاب اسلامی با وسعت گفتمانی اش همه این دوگانه‌ها را هم از دل آنها یک الگوی سوم ارائه می‌کند و این مهم‌ترین عامل بقای گفتمان انقلاب اسلامی است و هرچا این دوگانه‌ها را دست‌کم گرفتیم یا از آن غافل شدیم با نسبت به آنها ضعیف ظاهر شدیم، بقای انقلاب اسلامی را به مخاطره انداخته‌ایم و این نکته‌ای است که باید نسبت به آن آگاهی داشته باشیم. اگر انقلاب اسلامی نتواند این دوگانه‌ها را مدیریت کند، دچار مراتبی از افول خواهد شد.



شکوه مشارکت

حضور مردم در ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ بی‌نظیر بود و یک دلیل خیلی واضح برای این حضور گسترده اسلامی، در ۲۲ بهمن تجدید می‌شود و با شرایط روز خود را منطبق می‌کند. این حضور، حرکت به سمت یک پرساخت جدید از انقلاب اسلامی است. راهپیمایی ۲۲ بهمن یک راهپیمایی سیاسی مترقی است و امسال هم به شکلی باشکوه و جذاب برگزار شد. البته بین «میتینگ سیاسی» و «جشن فرهنگی» فاصله زیادی هست و معنای فرهنگی دادن به راهپیمایی ۲۲ بهمن می‌تواند شکوه آن را دوچندان کند.

اسلامی، دوگانه فقه‌هاست سنتی یا پویایی تجدیدگرا و... واقعیت این است که انقلاب اسلامی یک وسعت گفتمانی دارد که همه این دوگانه‌ها را هم از دل آنها یک الگوی سوم ارائه می‌کند و این ویژگی، مهم‌ترین عامل بقای گفتمان انقلاب اسلامی است.

هرچا این دوگانه‌ها را دست‌کم گرفتیم یا از آن غافل شدیم یا نسبت به آنها ضعیف ظاهر شدیم، بقای انقلاب اسلامی را به مخاطره انداخته‌ایم و این نکته‌ای است که باید نسبت به آن آگاهی داشته باشیم. اگر انقلاب اسلامی نتواند این دوگانه‌ها را مدیریت کند، دچار مراتبی از افول خواهد شد.

شکوه راهپیمایی ۲۲ بهمن

حضور مردم در ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ بی‌نظیر بود و یک دلیل خیلی واضح برای این حضور گسترده این است که انقلاب اسلامی، در ۲۲ بهمن تجدید می‌شود و با شرایط روز خود را منطبق می‌کند. این حضور، حرکت به سمت یک پرساخت جدید از انقلاب اسلامی است؛ یعنی مردم می‌آیند که بگویند: «انقلاب را می‌خواهند» اما مشخصاً آن انقلابی که خود تعریف می‌کنند.

حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن اگر صرفاً یک میلیشیای نظامی بود، حتماً کمیت و کیفیتش نسبت به سال ۹۸ که آخرین حضور مردم قبل از کرونا بود، کمتر می‌شد. اما راهپیمایی ۲۲ بهمن یک راهپیمایی سیاسی مترقی است و امسال هم به شکلی باشکوه و جذاب برگزار شد. البته بین «میتینگ سیاسی» و «جشن فرهنگی» فاصله زیادی هست و معنای فرهنگی دادن به راهپیمایی ۲۲ بهمن می‌تواند شکوه آن را دوچندان کند.



انقلاب اسلامی نسبت به انقلاب‌های مادی و انقلاب‌های صرفاً سیاسی و حتی انقلاب‌های رنگی و ایدئولوژیک، شدت مشحون از معنا است. در انقلاب اسلامی ما با یک کانون معناساز بسیار بزرگ مواجه هستیم. این گفتمان به شکل قابل‌تأملی ظرفیت بازتولید معنا دارد و به تعبیر فوکو «روح جهان بی‌روح است»

دلیل تداوم گفتمان و اندیشه انقلاب اسلامی این است که در برابر بحران‌ها موضع دارد. از این رو، یکی از ضرورت‌ها برای بقای این اندیشه و گفتمان، داشتن موضع در برابر بحران‌ها است و این موضع، «موضع مقاومت» است؛ بدین معنا که گفتمان انقلاب اسلامی، در برابر بحران‌ها کوتاه نمی‌آید.

انقلاب اسلامی یک وسعت گفتاری و گفتمانی دارد که می‌تواند دوگانه‌های دست و پا گیر و کشنده‌ای را که جامعه ایران یا جامعه اسلامی در جهان با آن مواجه است مدیریت کند و راز بقای انقلاب هم پاسخ به این دوگانه‌هاست؛ دوگانه‌هایی چون سنت و تجدید، خانه و اجتماع برای زن تراز انقلاب اسلامی و... انقلاب اسلامی با وسعت گفتمانی اش همه این دوگانه‌ها را هم از دل آنها یک الگوی سوم ارائه می‌کند و این مهم‌ترین عامل بقای گفتمان انقلاب اسلامی است و هرچا این دوگانه‌ها را دست‌کم گرفتیم یا از آن غافل شدیم با نسبت به آنها ضعیف ظاهر شدیم، بقای انقلاب اسلامی را به مخاطره انداخته‌ایم و این نکته‌ای است که باید نسبت به آن آگاهی داشته باشیم. اگر انقلاب اسلامی نتواند این دوگانه‌ها را مدیریت کند، دچار مراتبی از افول خواهد شد.

حضور مردم در ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ بی‌نظیر بود و یک دلیل خیلی واضح برای این حضور گسترده این است که انقلاب اسلامی، در ۲۲ بهمن تجدید می‌شود و با شرایط روز خود را منطبق می‌کند. این حضور، حرکت به سمت یک پرساخت جدید از انقلاب اسلامی است؛ یعنی مردم می‌آیند که بگویند: «انقلاب را می‌خواهند» اما مشخصاً آن انقلابی که خود تعریف می‌کنند.

حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن اگر صرفاً یک میلیشیای نظامی بود، حتماً کمیت و کیفیتش نسبت به سال ۹۸ که آخرین حضور مردم قبل از کرونا بود، کمتر می‌شد. اما راهپیمایی ۲۲ بهمن یک راهپیمایی سیاسی مترقی است و امسال هم به شکلی باشکوه و جذاب برگزار شد. البته بین «میتینگ سیاسی» و «جشن فرهنگی» فاصله زیادی هست و معنای فرهنگی دادن به راهپیمایی ۲۲ بهمن می‌تواند شکوه آن را دوچندان کند.

حضور مردم در ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ بی‌نظیر بود و یک دلیل خیلی واضح برای این حضور گسترده این است که انقلاب اسلامی، در ۲۲ بهمن تجدید می‌شود و با شرایط روز خود را منطبق می‌کند. این حضور، حرکت به سمت یک پرساخت جدید از انقلاب اسلامی است؛ یعنی مردم می‌آیند که بگویند: «انقلاب را می‌خواهند» اما مشخصاً آن انقلابی که خود تعریف می‌کنند.

حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن اگر صرفاً یک میلیشیای نظامی بود، حتماً کمیت و کیفیتش نسبت به سال ۹۸ که آخرین حضور مردم قبل از کرونا بود، کمتر می‌شد. اما راهپیمایی ۲۲ بهمن یک راهپیمایی سیاسی مترقی است و امسال هم به شکلی باشکوه و جذاب برگزار شد. البته بین «میتینگ سیاسی» و «جشن فرهنگی» فاصله زیادی هست و معنای فرهنگی دادن به راهپیمایی ۲۲ بهمن می‌تواند شکوه آن را دوچندان کند.

حضور مردم در ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ بی‌نظیر بود و یک دلیل خیلی واضح برای این حضور گسترده این است که انقلاب اسلامی، در ۲۲ بهمن تجدید می‌شود و با شرایط روز خود را منطبق می‌کند. این حضور، حرکت به سمت یک پرساخت جدید از انقلاب اسلامی است؛ یعنی مردم می‌آیند که بگویند: «انقلاب را می‌خواهند» اما مشخصاً آن انقلابی که خود تعریف می‌کنند.



بشش